



تلفیق یا تفکیک؛ مسئله این است



گفت‌وگو با زهرا اقلیمی و محمدحلی، دو تن از دبیران استان قم

رضانعلی ابراهیمزاده گرگی

• دو نظر عمده دربارهٔ درس «دینی و قرآن» میان همکاران وجود دارد؛ گروهی معتقدند باید به دورهٔ تفکیک و جدایی درس دینی و قرآن بازگشت تا حق قرآن در آموزش ادا شود. آنان این بازگشت را بازگشت به وضع کمی و کیفی آن دو درس به همان وضع نمی‌دانند. گروهی وضع کنونی را، که به دورهٔ تلفیق زبانزد است، قبول دارند. شما در این باره چه نظری دارید و به چه دلیل؟

حلی: جدا کردن کتاب قرآن از دینی کار مناسبی نیست. در صورت جدایی این دو درس، آن پیامی که اکنون قصد انتقال آن را به دانش‌آموزان دارید، به نتیجه نمی‌رسد. اکنون با طرح چند آیهٔ قرآن، پیام‌ها نیز در یک روند انتقال می‌یابند و وقتی این دو تفکیک شوند، ممکن است دبیری فعالیت خود را بر قرآن متمرکز کند و دبیر دیگر بیشتر به دینی بپردازد. روش کنونی خوب است، ولی به بازسازی نیاز دارد. بنده تحصیل کردهٔ حوزه و مبلغم. در حال حاضر و با وضع کنونی کتاب دین و زندگی، چندان به هدفمان که انتقال پیام به دانش‌آموز است

گفت‌وگوی زیر نتیجهٔ نشست است که روز پنج‌شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۲ با حضور سرکار خانم زهرا اقلیمی، سرگروه درس «دینی و قرآن» در ادارهٔ کل آموزش و پرورش استان قم، و آقای محمدحلی، از دبیران با سابقهٔ این درس، برگزار شد. خانم اقلیمی با مدرک کارشناسی علوم و معارف اسلامی، بیست سال سابقهٔ همکاری با آموزش و پرورش دارد و هشت سال نیز در سمت سرگروه انجام وظیفه کرده است. سابقهٔ همکاری آقای حلی که تحصیل کردهٔ حوزهٔ علمیه تا سطح ۴ است با آموزش و پرورش به ۲۵ سال می‌رسد.

این همکاران ضمن نقد و بررسی کتاب‌های دینی و قرآن دورهٔ متوسطه، پیشنهادهای خود را برای بهبود کیفیت تألیف و تدوین محتوای کتاب‌ها بیان کرده‌اند. آنان نظر خود دربارهٔ دبیرخانه راهبری کشوری را نیز با مخاطبان فصل‌نامهٔ رشد آموزش قرآن در میان گذاشته‌اند.

حلی: به نظر ما اگر می خواهیم
به نتیجه برسیم، باید جمعی از
باتجربه ترین و عالم ترین دبیران
را شناسایی کنیم و با حضورشان
نشست علمی تشکیل دهیم
تا با کارشناسی، معضلات و
نارسایی های کار معلوم شود

قرآنی می توان به شکلی قابل فهم تر و جذاب تر مطرح کرد اما آیا کتاب های چهار پایه، به قدر کفایت از داستان استفاده کرده اند؟ در برخی از درس ها مطالب چنان که باید روشن نیست.

● لطفاً با ارائه مصداق صحبت

بفرمایید.

● اقلیمی: موضوع ارتباط اراده انسان

با اراده خداوند در کتاب دوره پیش دانشگاهی را مثال می زنم. در این درس ابتدا باید ارتباط طولی و عرضی تشریح شود تا در نهایت به رابطه طولی خداوند با اراده انسان و فرد انسانی برسیم. این درس را نمی توان راحت برای دانش آموز باز و به وی تفهیم کرد. باید مثال های زیاد و متفاوت زد، در حالی که در کتاب فقط به آوردن یک مثال طولی و یک مثال عرضی اکتفا شده است و این نمونه نمی تواند برای درک دانش آموز از این موضوع پیچیده کافی باشد؛ در حالی که مؤلف محترم می توانست از آیات قرآنی در تشریح آن بهره بهتری ببرد. من هم به عنوان معلم دستم باز نیست که بتوانم از آیات مناسب قرآنی در تشریح درس استفاده کنم؛ زیرا تکیه گاه دانش آموز و اکثر قریب به اتفاق معلمان کتاب است.

با آنکه کتاب سال ۱۳۹۱ در پایه چهارم ویرایش شد، باز هم مشکلات آن کم نیست. در این کتاب، به جای آنکه مطالب برای فهم دانش آموز روان تر شود، آن را مشکل تر کرده اند. زیرا برخی از مطالبی را که لازم بوده است در کتاب باشد، برداشته اند و این کار اصل موضوع را از گویایی انداخته است. تا سال قبل سنت ها، که در بخش «برای مطالعه» قرار داشت، خیلی بهتر بیان شده بود اما در ویرایش جدید که این بحث را جزء درس قرار داده اند آن قدر آن را قیچی کرده اند که مفهوم اصلی سنت ها از بین رفته است و معلم نمی تواند با بیان روشن آن را برای بچه ها تشریح کند.

باید عنایت داشت که معلم فقط برای دانش آموزان با ضریب هوشی بالا تدریس نمی کند. در کلاس از هر نوع ضریب هوشی داریم، از ضعیف و متوسط تا بالا. درس های کتاب باید چنان تهیه و تبیین شوند که قادر به پوشش دادن تمام دانش آموزان با هر وضعیت ادراکی و دریافتی باشند.

مشکل دیگر دبیران تطبیق نداشتن حجم کتاب با زمان تدریس است. ما در جلساتی متعدد با مؤلف صحبت کرده ایم. یک بار از ایشان پرسیدیم: «آیا خودتان این کتاب را تدریس کرده اید؟ آیا شما در حاشیه شهر این کتاب را تدریس کرده اید؟ آیا با دیدگاه ها و افکار دانش آموز مواجه شده اید؟ پس راهکار تدریس در وضعیت های مختلف را به ما معلمان نشان دهید!»

نمی رسیم. باید دید علت چیست. برای مثال، درس اول دین و زندگی به انس با قرآن و عظمت هدف های قرآن می پردازد. دبیر باید در کارش خیلی مسلط باشد تا بتواند پیام درستی را به دانش آموز منتقل کند. آیا همه دبیران دین و زندگی چنین تسلطی در کارشان دارند؟ بنده حدود هجده سال سابقه تبلیغ از طریق منبر دارم؛ لذا می دانم از هر آیه چگونه استفاده کنم و نکات نهفته و پیام موجود در آیه را با توجه به موقعیت حاضران در مجلس ارائه دهم. چنین مطالب کتاب درسی دین و زندگی خیلی خوب است ولی با توجه به وضعیت کلی دبیران باید تغییر کند.

● چگونه تغییری مورد نظر شماست؟

حلی: نمونه ای عرض کنم. آیه ای در کتاب می آید و بعد از دانش آموز می خواهد دو پیام از آن استخراج کند یا اندیشه و تحقیقی در کتاب آمده و در این زمینه دو سؤال به دانش آموز داده شده است. این برنامه در حدی نیست که دانش آموز را به متن قرآن و دین و زندگی جلب کند. به نظر ما باید کاری کرد که در دانش آموز تحرک ایجاد شود. این هدف از طریق نوشتن ممکن است تا حدی تأمین شود اما تأمین بخش دیگر آن به عهده دبیران است که باید راهنمایان خوبی برای هدایت دانش آموزان در مسیر مشخص باشند.

به نظر ما اگر می خواهیم به نتیجه برسیم، باید جمعی از باتجربه ترین و عالم ترین دبیران را شناسایی کنیم و با حضورشان نشست علمی تشکیل دهیم تا با کارشناسی، معضلات و نارسایی های کار معلوم شود، زیرا این گروه هم با تدریس، هم با مشکلات موجود در کلاس و هم با ابهاماتی که در محتوای کتاب وجود دارد آشنا هستند. از جمله درس قضا و قدر ابهام دارد و دبیر از بنده می پرسد که چگونه باید این درس را تدریس کند.

● خانم اقلیمی! نظر شما چیست؟

اقلیمی: درس قضا و قدر در کتاب دوره پیش دانشگاهی خوب تشریح و مفاهیم آن باز نشده است. من کتاب کنونی یا کتاب دوره تلفیق را قبول دارم؛ زیرا هنگام تدریس درمی یابیم که مطلب کتاب با چه محتوایی باید با قرآن ارتباط یابد و برای دانش آموز مطرح شود ولی کتاب محتوایی را که من به عنوان دبیر نیاز دارم به دانش آموز القا کنم، ندارد و اگر بخواهم بحث را با استفاده از مطالب خارج از کتاب بیان کنم، دانش آموز حوصله دریافت آن را ندارد. چرا؟ به این علت که با رجوع به کتاب برای مطالعه درس درمی یابد خیلی از آنچه را دبیر سر کلاس گفته است، در کتاب نیست؛ لذا انگیزه اش را از دست می دهد. مطالب درس دین و زندگی را در قالب داستان های

استخراج پیام آیه‌های کتاب‌های پایه‌های دوم و سوم به کمک معلم متکی است، اما کتاب «راهنمای معلم» درباره استخراج پیام از آیات مطلبی ندارد. در حال حاضر، برای استخراج پیام از آیات، بعد از درس نقطه چین گذاشته‌اند که مفید نیست؛ زیرا از هر آیه می‌توان پیام‌های متفاوتی استخراج کرد

گذشته از این بحث معلم هم لازم است آموزش مقتضی ببیند. گاهی معلمی درباره برخی از موضوعات کتاب می‌پرسد که چگونه آن را بیان کنم. آن وقت باید چند نفر همفکری کنند تا راهکاری را به معلم محترم پیشنهاد بدهند. استخراج پیام آیه‌های کتاب‌های پایه‌های دوم و سوم به کمک معلم متکی است، اما کتاب «راهنمای معلم» درباره

استخراج پیام از آیات مطلبی ندارد. در حال حاضر، برای استخراج پیام از آیات، بعد از درس نقطه چین گذاشته‌اند که مفید نیست؛ زیرا از هر آیه می‌توان پیام‌های متفاوتی استخراج کرد.

در کتاب پیش‌دانشگاهی، درس توحید آمده است. بحث انواع توحید (توحید افعالی، توحید در ربوبیت، توحید در مالکیت و...) در کتاب قبلی بهتر پوشش داده شده بود اما در کتاب سال تحصیلی ۹۲-۹۱ بسیاری از مطالب را حذف کرده‌اند. توحید ذاتی را به کلی قیچی کرده‌اند. قبلاً جدول انواع توحید را که می‌کشیدیم و توحید نظری و توحید عملی را مطرح می‌کردیم، درباره نقطه مقابل آن، یعنی شرک، هم صحبت می‌کردیم. این موضوع نیز حذف شده است، اما آیه مربوط را باقی گذاشته‌اند. می‌توان درباره مطالب و موضوع‌های محذوف حرف زد، ولی دانش‌آموز گله می‌کند که آنچه گفتید در کتاب نیست و بی‌اعتنا از کنار آن می‌گذرد.

دانش‌آموزان سال چهارم یا پیش‌دانشگاهی امتحان نهایی و کنکور دارند و با مسائل خاص مربوط به آیات قرآن، پیام‌های آیات، مطالب درسی و نکات کنکوری دست‌به‌گریبان‌اند. این دانش‌آموزان با وضع کنونی کتاب درسی نمی‌توانند طبق نیازهایشان از کتاب بهره ببرند و ما هم منبعی نداریم تا دریابیم از دانش‌آموزان در کنکور چه چیز و چگونه می‌خواهند. هر چه در اختیار داریم مربوط به گذشته است.

● یکی از شکوه‌های اصلی دبیران این است که با توجه به عدم تسلط دانش‌آموزان در قرائت درست قرآن، در وضع کنونی که کتاب دینی و قرآن با هم هستند، فرصت برای تدریس قرآن ندارند تا به دانش‌آموزان کمک شود که قادر به درست‌خوانی باشند. اما اگر این درس از هم جدا بود و قرآن درس مستقلی می‌شد، می‌توانستند برای رفع این معضل اقدام کنند. شما چه می‌فرمایید؟

اقلیمی: کتاب‌های دوره تفکیک نقاط قوت و ضعفی داشتند. من هم با نظر آقای حلی موافقم که اگر این دو درس

با هم باشند بهتر است. در حال حاضر معلم می‌تواند بحث درسی را به سمت آیات موجود در کتاب سوق دهد و از آن بهره لازم را بگیرد اما در دوره تفکیک برخی از معلم‌ها از قوت درس دینی به نفع قرآن استفاده می‌کردند و فقط هم به تلفظ و قرائت می‌پرداختند. در واقع کلاس قرآن به کلاس عربی تبدیل می‌شد؛ در حالی که درس عربی جداست و ساعت تدریس خود را دارد. ما باید زمان کم تدریس دین و زندگی را صرف آموزش قرآن در پناه مطالبی کنیم که راه و رسم زندگی را به دانش‌آموزان نشان می‌دهند.

حلی: بنده این نکته را یادآوری کنم؛ انتخاب نام و عنوان همراه با کارشناسی و تدریس عنوان «دین و زندگی» بسیار اهمیت دارد و تفکیک آن به صلاح نیست. حتی ایجاد شائبه تفکیک هم درست نیست. در صورت تفکیک، دانش‌آموز می‌گوید امروز دینی فردا قرآن دارد. همین حرکت به جدایی دین از قرآن منجر می‌شود.

اقلیمی: جدا کردن این دو درس اصلاً نادرست است. **حلی:** اینکه من بر تغییر روش تأکید می‌کنم مستدل است. بنده در یکی از بهترین آموزشگاه‌های قم تدریس می‌کنم. ماهی یک بار با والدین دانش‌آموزان با حضور تمام معلمان جلسه داریم. در یکی از این جلسات پدر و مادر دانش‌آموزی به من به‌عنوان دبیر درس دین و زندگی رجوع کردند و گفتند بچه ما در احکامش مانده است.

● دبیران دیگر هم بر این نارسایی کتاب‌های درسی متوسطه انگشت می‌گذارند.

حلی: من به والدین حق می‌دهم اما معلم تا چه حد می‌تواند کمک کند؟ در کتاب دین و زندگی پایه اول، فقط سه درس آخر کتاب به احکام اختصاص دارد که خیلی کوتاه به غسل و وضو و طهارت می‌پردازد. دبیران از یک طرف محدودیت ساعات تدریس دارند و از طرف دیگر درس دین و زندگی طوری است که یا نباید به بحث در موضوعی بپردازد یا اگر وارد آن شدی، باید طوری از آن خارج شوی که در ذهن مخاطب شائبه‌ای ایجاد نشود.

اقلیمی: هر درس دین و زندگی باید به دانش‌آموز کمک کند و بداند وقتی از کلاس بیرون رفت، چه کاری باید انجام دهد.

حلی: گاهی دبیر مسئله‌ای را طرح می‌کند، آن وقت سؤال‌های متعدد در ذهن دانش‌آموزان قد می‌کشد و متأسفانه پرسش‌ها بدون پاسخ می‌مانند که خیلی خطرناک است. لذا در پایه اول در درس دین و زندگی لازم است بخشی از کتاب حاوی آیاتی باشد که خلأ اعتقادی دانش‌آموز را پر کند و





بخش دیگر باید بتواند تا حد زیادی احکام مورد نیاز این سن و سال را پاسخ گوید. دانش‌آموزی که در اوان بلوغ قرار دارد، نمی‌داند شرایط بلوغ چیست، تکلیف وی بعد از بلوغ چیست، چه مشکلاتی در این دوره برای فرد به وجود می‌آید و دین چه برنامه‌ای برای رفع مشکلات دارد.

درحالی‌که در آیات و روایات مطالب زیبا و جذابی وجود دارد که می‌توان از آن‌ها در کتاب درسی استفاده کرد. من چندین روایت دیده‌ام که در آن‌ها حتی نوع تغذیه افرادی که به سن بلوغ می‌رسند، مشخص شده است.

باید در سال اول درباره آداب معاشرت به دانش‌آموز آموزش داد. خانم اقلیمی به موضوع اراده و اختیار اشاره کرد. این موضوع و بحث اراده انسان و اراده الهی و طولیت و عرضیت چنان پیچیده و دقیق است که مرحوم آخوند خراسانی صاحب «کفایة الاصول» با آن مقام شامخ علمی و شناخته شده در حوزه‌های علمیه وقتی به این بحث می‌رسد، سرانجام می‌نویسد: «قلم که به اینجا رسید سربشکست». آن وقت چنین بحثی را به معلمی می‌سپاریم که این دوره را ندیده است.

● از صحبت‌های شما می‌توان نتیجه گرفت دبیران دین و زندگی نیاز وافر به دوره‌های دانش‌افزایی دارند. این موضوع در سطح آموزش و پرورش مطرح است، با این حال کار به‌طور جدی پی‌گیری و اجرا نمی‌شود. بفرمایید در استان قم چه وضعی دارد؟

اقلیمی: طبق آیین‌نامه، اگر کتابی در آموزش و پرورش عوض شود، باید یک گروه سه تا چهار نفره از میان دبیران مجرب انتخاب شوند و برای دیدن دوره خاص، به مرکز اعزام شوند تا دوره مدرسی آن کتاب را ببینند. آن وقت به محل اشتغال بازگردند و یافته‌های خود را در جلساتی به بقیه معلم‌ها منتقل کنند ولی آموزشی که در مرکز می‌دهند، چندان جامع نیست. لذا افرادی که این دوره را می‌بینند نمی‌توانند به انتقال لازم آموزشی که دیده‌اند، اقدام کنند.

باید دانست که همه دبیران خود را ملزم نمی‌دانند در چنین کلاسی شرکت کنند؛ زیرا حضور همگانی الزامی نیست. آیا آنانی که در کلاس حضور نمی‌یابند به محتوای دوره نیاز ندارند؟ امکان ندارد که بی‌نیاز باشند. زیرا همه ما به یادگیری، به‌ویژه درباره موضوع‌های تازه نیاز داریم. ممکن است با یک پرسش دانش‌آموز نتوانیم در تمام یافته‌های قبلی خود پاسخ برای آن پیدا کنیم. این احتمال درحالی‌که محتوای درسی کتاب تغییر یافته و معلم قبلاً آن را تدریس نکرده و مطالعه‌ای در آن زمینه ندارد، بیشتر می‌شود. متأسفانه به دلیل نبود

تأکید به ضرورت حضور معلمان در این نوع کلاس‌ها، وقتی کلاسی دایر می‌شود، از ۵۰۰ نفر دبیران سطح استان، حداکثر در هر ناحیه فقط سی نفر شرکت کننده داریم. به نظر من به‌جای تشکیل کلاس باید کارگاه‌های آموزشی گذاشت. من در این زمینه تجربه بسیار مفیدی دارم و تمام شرکت‌کنندگان حاصل کارگاه را بسیار مثبت ارزیابی کردند. در کارگاه یک نفر متکلم و حده نیست بلکه همه در بحث شرکت می‌کنند؛ لذا می‌توان از معلومات و تجربه‌های همگان استفاده کرد و دبیری که دوره خاص مدرسی را دیده است، می‌تواند به تکمیل بحث بپردازد و اطلاعات جدید خود را به دیگران منتقل کند.

علت شرکت نکردن دبیران در دوره‌های ضمن خدمت این است که در سر کلاس، بسیاری فقط زمان موظف خود را پر می‌کنند، درحالی‌که باید دانست تشکیل دوره‌های آموزشی برای این است که بار علمی معلم برای انتقال آن به دانش‌آموزان افزایش یابد.

اشاره کنم که معلم باید امکان ارتباط راحت با آقايان سوزنچی، وکیل و اعتصامی را داشته باشد تا بتواند مشکل خود را در هر قسمت مطرح کند و از آنان پاسخ و راهنمایی بگیرد. بارها اتفاق افتاده که به برخی از مؤلفین زنگ زده‌ام اما هیچ جوابی نگرفته‌ام. نتوانسته‌ام درباره موضوعاتی با وی صحبت کنم یا پاسخ پرسش دانش‌آموزی را بگیرم یا مشکل تدریس معلمی را برطرف کنم. گاهی ممکن است برخی از مطالب درسی برای من هم مبهم و گنگ باشد.

هر هفته پنج‌شنبه‌ها بحث‌های کوتاه آقای قرائتی را در تلویزیون می‌بینیم. ایشان درحالی‌که درباره دین همراه با زندگی حرف می‌زند، بیان شیرینی هم دارد. باید شیرینی این نوع گفتار در کتاب‌های دینی هم مشاهده شود. بیانات آقای قرائتی برای تمام افراد در هر سطحی قابل فهم است.

کتاب‌هایی که ما تدریس می‌کنیم باید برای دانش‌آموز قابل فهم باشد اما به جرئت می‌توان گفت اکثر دانش‌آموزان کتاب را فقط حفظ می‌کنند، درحالی‌که باید آنچه را می‌آموزند به‌صورت کاربردی در زندگی استفاده کنند. سیر نزولی فهم و درک مطالب کتاب در برگره‌های امتحانی خود را نشان می‌دهد که شیب این سیر نزولی از دانش‌آموز

رشته ریاضی تا دانش‌آموز فنی و حرفه‌ای بسیار فاحش است.

● یکی از هدف‌های مؤلفان در تدارک و تدوین کتاب‌های دوره متوسطه، فعال کردن دانش‌آموزان در درس‌هاست، اما شما می‌فرمایید به دلیل

کتاب راه را برای فعال شدن دانش‌آموزان باز کرده است. در بخش تمرین کتاب داریم که دانش‌آموز در قرآن درباره آیات مشخص تحقیق و موارد استفاده را معین کند. خب این کار برای فعالیت و فعال شدن است اما کافی نیست

دبیران دین و زندگی سرمایه‌گذاری کنند. من حاضرم فقط از قرائت - نه تجوید - دبیران امتحان بگیرم. آن وقت معلوم می‌شود چند درصد می‌توانند قرآن را درست بخوانند. تازه این وضع شهر قم است.

اقلیمی: در قم وضع خوبی داریم.

حلی: در جاهای دیگر وضع خیلی نگران کننده است. ۹ درصد دبیران درس دین و زندگی در قم در حوزه علمیه درس خوانده‌اند و در حوزه نیز روی آموزش قرآن خیلی کار می‌شود. وقتی معلم کلاس نتواند آیات قرآن را درست بخواند، باید فاحه آن کلاس را خواند.

اقلیمی: وقتی دانش‌آموز احساس کند و شاهد باشد معلمش در خواندن و قرائت درست قرآن مهارت ندارد، دلسرد می‌شود. حتی اگر درس را خوب تدریس کند و معلومات درسی زیادی هم داشته باشد، قرائت ضعیف جبران نمی‌شود معلم متبحر و آگاه به قرآن می‌تواند هنگام تدریس ضعف‌های کتاب دین و زندگی را جبران کند اما تعداد این معلم‌ها چند نفر است.

● **حال پرسش متفاوتی را با شما در میان بگذارم.** شاید این موضوع برای دوره‌های دبستان و راهنمایی اهمیت بیشتری داشته باشد اما در هر سطحی باید مورد توجه باشد و آن ارزیابی شما از تدوین بصری کتاب‌هاست. آیا درباره حروف چینی، صفحه‌بندی، استفاده از طرح و تصویر و به‌طور کلی گرافیک کتاب‌ها نظری دارید؟

حلی: بنده نظری ندارم؛ زیرا در کارهای هنری و نوع

وضعیت موضوع‌های منتخب و نوع تبیین آن‌ها، این هدف تأمین نمی‌شود.

اقلیمی: دانش‌آموز فعال نمی‌شود مگر اینکه معلم بتواند او را فعال کند. باید یادآور شوم که راه فعال شدن دانش‌آموز باز است اما تا زمانی که کتاب به‌صورت سنتی و به روش سخنرانی تدریس می‌شود و دانش‌آموز هم باید پای سخنرانی بنشیند، مشکل همچنان باقی است. درس به‌جای کنفرانس باید در قالب کارگاه و به روش هوش‌های چندگانه و به‌صورت فعال تدریس شود.

حلی: کتاب راه را برای فعال شدن دانش‌آموزان باز کرده است. در بخش تمرین کتاب داریم که دانش‌آموز در قرآن درباره آیات مشخص تحقیق و موارد استفاده را معین کند. خب این کار برای فعالیت و فعال شدن است اما کافی نیست. به‌ویژه اینکه معلم فرصت کافی ندارد در این زمینه دانش‌آموز را راهنمایی و موضوع را برایش روشن کند تا وی به نتیجه لازم برسد. به‌دلیل کم بودن فرصت این کار ممکن نیست.

پس هم مشکل وقت داریم، هم مشکل تفاوت استعداد و قدرت درک و فهم دانش‌آموزان وجود دارد. در بخش تدریس هم به‌دلیل وضعیت معلمان مشکل داریم. این عوامل دست‌به‌دست هم می‌دهند تا نتوانیم کلاس‌هایی باشور و نشاط دانش‌آموزانی با انگیزه داشته باشیم.

● **بنابراین شما اصل مشکل را در عوامل آموزش و تدریس می‌بینید.**

حلی: درست است، به‌نظر من آموزش و پرورش باید روی



وقتی دانش‌آموز احساس کند و شاهد باشد معلمش در خواندن و قرائت درست قرآن مهارت ندارد، دلسرد می‌شود. حتی اگر درس را خوب تدریس کند و معلومات درسی زیادی هم داشته باشد، قرائت ضعیف جبران نمی‌شود

**اصل وجود دبیرخانه درس دینی و قرآن
ضروری است و تشکیل چنین ستادی
را شایسته می‌دانم. اما دبیرخانه باید
فعال و برحوزه مأموریتش مسلط باشد و
بتواند به زیرمجموعه خود خط بدهد.
نباید منفعل عمل کند و منتظر باشد
دیگران برایش چیزهایی ارسال کنند**

می‌شود با بهره‌گیری از شگرد معلمی
پرسش را به دانش‌آموز برمی‌گردانم که
«به نظر شما چه دلیلی دارد این تصویر
اینجا باشد؟»

● می‌دانید که دبیرخانه راهبری
کشوری مربوط به درس «دین و زندگی»
در مشهد مستقر است. بفرمایید این
دبیرخانه چه اهمیتی دارد؟ به طور کلی
درباره آن و کارکردش چه نظری دارید؟

حلی: اصل وجود دبیرخانه درس دینی و قرآن ضروری
است و تشکیل چنین ستادی را شایسته می‌دانم. اما دبیرخانه
باید فعال و برحوزه مأموریتش مسلط باشد و بتواند به زیر
مجموعه خود خط بدهد. نباید منفعل عمل کند و منتظر باشد
دیگران برایش چیزهایی ارسال کنند.

البتّه در حد اطلاعاتی که من در دو سال وظیفه
سرگروهی ام کسب کرده‌ام می‌دانم. در این حد چند بار هم
با آقای عمرانی، مسئول دبیرخانه، تماس گرفته‌ام. حداقل از
حاشیه که به متن نگاه می‌کنم، به نظر می‌رسد دبیرخانه با
وضع کنونی گویا برای درس دین و زندگی نیست. دبیرخانه
باید تمام هدف‌های آموزش و پرورش در شاخه دین و زندگی را
تحت پوشش بگیرد؛ درحالی که گاهی از وضعیت کاری برخی
از استان‌ها هم اطلاعی ندارد. بنابراین تکرار کنم، ادامه حیات
دبیرخانه لازم است اما باید تقویت و فعال شود.

اقلیمی: شکی در اصل وجود آن نیست. به هر حال برای
هر شاخه آموزشی مرکزی لازم است. این مرکزیت برای
درس دین و زندگی در دبیرخانه راهبری کشوری تعریف شده
است اما برخی از نارسایی‌های موجود باید رفع شوند؛ از جمله
اینکه دسترسی به دبیرخانه مشکل است و با اعضای دبیرخانه
نمی‌شود راحت ارتباط برقرار کرد.

قبلاً همایش سالانه برگزار می‌شد. در این همایش‌ها
سرگروه‌های استان‌ها با هم آشنا می‌شدند و با ایجاد
ارتباط تبادل تجربه می‌کردند. ضمن اینکه همایش برای
شرکت‌کنندگان فایده علمی هم داشت. متأسفانه دو سه سالی
می‌شود که این همایش را برگزار نمی‌کنند. ارتباط در فضای
مجازی به این اقدام هم ضربه زده است. حداقل سرگروه‌های
استانی باید بتوانند با هیئت علمی دبیرخانه ارتباط برقرار کنند
که چنین کاری نمی‌توان کرد.

دبیرخانه باید دبیران دین و زندگی را تحت حمایت فکری
قرار دهد، نه اینکه فقط با نامه‌نگاری تعیین تکلیف کنند. گویا
دبیران دانش‌آموزانی هستند که باید آنچه را استاد می‌گوید،
عمل کنند.

تدوین دقت نکرده‌ام.

اقلیمی: کتاب پایه اول به نسبت مطالبش گرافیک خیلی
خوبی دارد. کتاب پایه سوم که تصویر خاصی ندارد اما در
حروف چینی و تزئین صفحه‌ها مشکل ندیده‌ام. درباره کتاب
پایه دوم نمی‌توانم اظهار نظر کنم؛ زیرا چند سالی است که در
این پایه تدریس نمی‌کنم.

اما در کتاب پایه چهارم (پیش‌دانشگاهی) درباره گرافیک
برخی از قسمت‌ها به راحتی می‌توان برای دانش‌آموزان صحبت
کرد، ولی متوجه گرافیک برخی از قسمت‌های دیگر نشده‌ام و
نمی‌توانم به این پرسش که با توجه به موضوع درس، طراحی
و گرافیک موجود چه نسبتی با آن دارد، پاسخی بدهم خوب
است در کتاب «راهنمای معلم» در این باره توضیحی بیاید. در
مجموع خوب است. در هر حال، باید توجه داشت که اگر کتاب
درسی، آن هم درس دین و زندگی، فقط مجموعه‌ای نوشته
باشد، برای دانش‌آموز جاذبه‌ای ندارد. آدم‌ها در هر سنی، با
تسورق اولیه هر کتاب درصددند به کمک تصاویر، دریافتی از
محتوا داشته باشند و با کل کتاب ارتباط برقرار کنند. اگر
تصویرها گویا باشند، به درک دانش‌آموز از محتوای درس
مدد می‌رسانند. برای مثال، من در جلسه اول کلاس طرح
و تصویر روی جلد کتاب را تشریح می‌کنم. به چه شکل؟
ابتدا به دانش‌آموزان فرصت چند دقیقه‌ای می‌دهم تا خوب
به تصاویر جلد نگاه کنند و هر چه از آن می‌فهمند را برای
همکلاس‌هایشان بیان کنند. بچه‌های رشته ریاضی حتی به
جزئیات شکل‌های هندسی توجه دارند و توجه دانش‌آموزان
حرفه‌وفن و هنر را هنر سفالگری و معماری جلب می‌کند.
همچنین، گلدسته روی جلد کتاب و پرنده‌هایی که در حال
پرواز نشان داده می‌شوند، دانش‌آموزان را به سوی معنویت
محتوای کتاب هدایت می‌کنند. در حقیقت طراح به القای
معنویت از طریق تصاویر توجه شایانی دارد که باید از او تقدیر
شود. همین تصاویر دقیق و گویا سبب می‌شوند که به حضاران
در کلاس بگویم از همین جا دین با زندگی گره می‌خورد و
قرآن در همه ابعاد زندگی آدمی حضور دارد.

در بخش‌های «برای مطالعه» تصویر و عکس افرادی را
ضمیمه مطلب درباره زندگی وی کرده‌اند که جالب است و نظر
دانش‌آموز را به خود جلب می‌کند. به طور کلی، من علاقه‌مندم
که قبل از جلسه درس درباره تصاویر کتاب مطالعه کنم. اگر
چیزی را درباره طراحی و تصویر و گرافیک ندانم، می‌پرسم و
آنچه را می‌دانم و یافته‌ام، برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهم.
گاهی اگر درباره تصویر کوچکی مثل لوبیا (صفحه ۱۷، کتاب
پیش‌دانشگاهی) حرف نزنم، دانش‌آموزی می‌پرسد: «این لوبیا
چرا اینجاست؟» پس می‌توان با دقت در طراحی و تصاویر
کتاب توجه بچه‌ها را جلب کرد. گاهی که چنین سؤالی مطرح

